

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: ۱۳۹۷/۰۷/۲۶

موضوع: آیا این ادعاهای «احمد الحسن» کفر نیست!؟

(سخنرانی در مدرسه امام مهدی ارواحنا فداه)

فهرست مطالب این سخنرانی:

موکب انحراف و ضلالت، در اربعین حسینی

احیای شعار خوارج، در فرقه گمراه احمد الحسن!

دیدن این کلیپ را از دست ندهید!

مهمترین ادعاهای «احمد الحسن»

۱- ادعای فرزندى امام زمان (سلام الله عليه)

حدیث وصیت و ادعای حقانیت احمد الحسن

۲- ادعای یمانی موعود بودن

۳- ادعای شاگردى امام زمان (سلام الله عليه)

۴- ادعای جهنمی بودن حضرت یونس

بر پدر کسی لعنت که بگوید «یا ابوالفضل» شرک است!

۵- اهانت و قیحانه به ساحت مقدس امیرالمؤمنین (سلام الله عليه)

۶- اهانت و قیحانه به ساحت مقدس سیدالشهداء (سلام الله علیه)

توصیه ای جدی، که همه طلاب باید در نظر بگیرند

پرسشها و پاسخها

روش‌های تبلیغی پیروان فرقه احمدالحسن

(۱) خواب

(۲) استخاره

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لاسيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله الحمد لله الذي هدانا لهذا و ما كنا لنهتدى لولا أن هدانا الله

خدا را بر تمام نعمت‌هایش به ویژه نعمت ولایت سپاس می‌گویم و خدا را شاکرم که به بنده توفیق داد در جمع شما عزیزان و بزرگواران حضور پیدا کردم تا دقایقی با هم گفتگو داشته باشیم.

موضوع بحث ما فرقه انحرافی و ضاله و مضله «احمد بصری» یا «احمد اسماعیل» یا «احمد الحسن» است. البته این افراد «اول قارورة كسرة فی الإسلام» نیستند و قبل از آن‌ها بابی‌ها، بهائی‌ها و قادیانی‌ها همین ادعا را داشتند. حتی در عصر معصومین هم، واقفی‌ها و ناووسی‌ها چنین برنامه‌ای داشتند.

قضیه ادعای مهدویت یا بابیت بحثی است که شیعیان و ائمه اطهار (علیهم السلام) در طول تاریخ با آن درگیر بودند؛ به ویژه امام رضا و امام جواد (علیهم السلام) حداکثر درگیری را با مدعیان مهدویت و فرق انحرافی داشتند.

با توجه به جو حاکم بر جهان و قضیه منافقین، داعش و وهابیت؛ امروز بحث «احمد بصری» رنگ و بوی دیگری پیدا کرده است.

حال یا به خاطر ضعف مبانی فکری و اعتقادی بچه‌های ما به ویژه طلاب ماست که فرهنگ مهدویت را خوب فرا نگرفتند و مهدویت راستین را با مدعیان دروغین مهدویت نتوانستند خوب تجزیه و تحلیل کنند یا دشمنان از ترندهای بیشتری استفاده می‌کنند. لذا متأسفانه ما می‌بینیم بعضی از طلاب ما در حوزه علمیه قم، مشهد و نجف اشرف جذب این افراد شدند.

حال انگیزه بعضی از این افراد هواپرستی، ریاست طلبی و «خَالِفٌ تُعَرَفُ» است و انگیزه بعضی دیگر از این افراد رسیدن به اموال و ثروت است. ولی بعضی از این افراد به خاطر جهل و عدم آگاهی به مبانی فکری و اعتقادی شیعه گرفتار این دامها می‌شوند.

### موکب انحراف و ضلالت، در اربعین حسینی

ان شاءالله عزیزان ما عازم کربلای معلی و پیاده روی میلیون‌ها اربعین حسینی هستند که به حق یکی از نعمت‌های بزرگ خداوند عالم به شیعیان در عصر حاضر است که دنیا در تحلیل و تجزیه آن عاجز ماندند. عالمیان مبهوت ماندند که چه جاذبه و انگیزه‌ای هست که شیعیان را از اقصی نقاط جهان در یک همایش بزرگ بالای بیست میلیون نفری جمع می‌کند.

در حال حاضر آمریکا به وحشت افتاده است، وهابیت به وحشت افتادند، اسرائیل به وحشت افتاده است و با تمام تلاش سعی می‌کنند این انگیزه‌ها را از بین ببرند و اختلاف ایرانی و عراقی و شیعه و سنی درست کنند.

شکر خدای عالم که هرچه این افراد تلاش می‌کنند، تلاش‌هایشان بی‌ثمر هست و این راهپیمایی‌ها هر سال باشکوه‌تر می‌شود. این افراد با وضعیت دلار و گرانی و دست‌های پنهان داخل و خارج کشور دست به دست هم دادند و فعلاً این فاجعه را در ایران ایجاد کردند.

امیدواریم دوستانی که آنجا می‌روند، یکی از دعاهایشان بعد از دعا برای فرج امام زمان این باشد که آن دست‌های خیانتکار که امروز این وضع را برای مردم ایران ایجاد کردند و گرانی به بار آوردند را رسوا و مفتضح و قطع کند و امنیت اقتصادی را به جامعه ایرانی برگرداند.

در رابطه با «احمد الحسن» بحث خیلی زیاد است و نمی‌توان در یکی دو جلسه حق مطلب را ادا کرد. من به دوستان عرض می‌کردم شاید برای اولین بار بعد از نوزده سال است که فرقه «احمد الحسن» ظهور پیدا کرده است و در سال ۱۹۹۹ در منطقه بصره و ناصریه ظهور کردند.

ما همین چهارشنبه و پنجشنبه گذشته با دوستانی که در داخل و خارج کشور روی این قضیه کار می‌کردند نشستی برگزار کردیم و حدود ۶۰ تن از طلاب فاضل اعم از آقایان و خانم‌ها و بعضی از دانشجویان در سطح کشور در آن حضور پیدا کردند.

این افراد چند سال است با این فرقه ضاله «احمد اسماعیل» مباحثه می‌کنند و در فضای مجازی و فضای حقیقی مناظره می‌کنند. ما این افراد را در قم جمع کردیم و دو روز در خدمتشان بودیم و حرف‌ها، مشکلات و پیشنهادهایشان را شنیدیم. حضرت آیت الله اعرافی ریاست حوزه‌های علمیه هم در این جلسه تشریف آوردند و یک ساعتی در خدمتشان بودیم و ایشان هم رهنمودهایی را داشتند.

ما از افرادی که چندین سال است در این فاز هستند برای حدود ۲۵ نفر در حدی که توان داشتیم ویزا گرفتیم، بعضی از این افراد رفتند و بعضی‌ها در شرف رفتن هستند.

طرفداران «احمد الحسن» سال گذشته نزدیک موبی که مربوط به شما دوستان هست موبک داشتند و موبک ۵۱۹ مرکز فعالیت این فرقه ضاله هست.

آن‌ها تعداد زیادی از جوانان ایرانی اعم از آقایان و خانم‌ها را به موبکشان دعوت می‌کردند، جزوه و بروشور می‌دادند، شماره همراهشان را می‌گرفتند و بعضی از مطالبی را برایشان می‌فرستادند.

طبق آماری که این دوستان دادند و در خدمت آیت الله اعرافی هم گزارشی داده شد، این افراد، سی هزار نفر از جوانان ایرانی را آلوده کرده بودند که دوستان ما شناسایی کردند و به تلفن همراهشان مطالب ضد «أحمد الحسن» و کفریات او ارسال کردند.

### احیای شعار خوارج، در فرقه گمراه احمد الحسن!

این افراد چندین هفته است که تبلیغات گسترده‌ای در فضای مجازی آغاز کردند. کلیپ‌ها و اشعاری را پخش می‌کنند و هرکسی می‌خواهد با آن‌ها بیعت کند با شعار «البيعة لله» بیعت می‌کند. البته این شعار، شعار خوارج است. آن‌ها می‌گفتند: «لا حکم إلا لله» و این افراد هم شعارشان «البيعة لله» است. حال آنکه قرآن کریم بیعت را با نبی گرامی اسلام مطرح می‌کند و می‌فرماید:

(إِنَّ الَّذِينَ يَبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يَبَايِعُونَ اللَّهَ)

آن‌ها که با تو بیعت می‌کنند در حقیقت فقط با خدا بیعت می‌نمایند.

سوره فتح (۴۸): آیه ۱۰

یا:

(إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يَبَايِعُكَ عَلَىٰ أَنْ لَا يَشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا)

هنگامی که زنان مؤمن نزد تو آیند و با تو بیعت کنند که چیزی را شریک قرار خدا ندهند.

سوره ممتحنه (۶۰): آیه ۱۲

این موارد همگی بیعت با نبی گرامی اسلام و ائمه اطهار بوده است. در طول این هزار و چهارصد سال هیچکدام از ائمه اطهار و علما نفرمودند که با خداوند بیعت کنید.

همانطور که از روی پرچمشان بر روی موبک ۵۱۹ بالای مناره‌ها مشاهده می‌کنید، «البيعة لله» است. همچنین سخنرانی‌هایی دارند که بالای سرشان تابلوی «البيعة لله» است. اگر یک شیعه یک سر سوزن از مبانی اعتقادی اهل بیت آگاهی داشته باشد، با دیدن شعار «البيعة لله» می‌فهمد که این افراد منحرف و گمراه هستند و در خط اهل بیت و اسلام و قرآن نیستند.

در اینجا چند نکته وجود دارد که عزیزان باید مقداری به آن دقت کنند. ما تلاش می‌کنیم که در این دو سه روزه جزوه چند صفحه‌ای را آماده کنیم و در خدمت شما بفرستیم و بعضی از ادعاهای باطل و تناقضات و کفریات ایشان را در آن جزوه بیان کنیم.

### دیدن این کلیپ را از دست ندهید!

عزیزان دقت کنند در آنجا فرصتی برای بحث‌های علمی با طرفداران آن‌ها نیست یا کسانی که آلوده می‌شوند فرصت در این راهپیمایی برای بحث علمی که با آن‌ها داشته باشید نیست. چه بسا اگر بخواهید بحث علمی داشته باشید، قطعاً نیاز به سرمایه علمی بیشتر یا اطلاعات بیشتری نیاز دارد. شاید بسیاری از عزیزان ما آن اطلاعات را ندارند.

من با توجه به تجربه سی و چند ساله مبارزه با وهابیت معمولاً به دوستان می‌گویم ما در اینطور قضایا قبل از آنکه بحث علمی کنیم، باید بحث‌های جدلی و پاسخ‌های کوچک در رابطه با ماهیت فاسد طرف داشته باشیم.

بنده کلیپ ده دقیقه‌ای داشتم و به دوستان می‌گویم که حتماً این کلیپ را ببینید. بنده خدمت آیت الله اعرافی بودم و ایشان گفتند: من از مراکز مهدویت خواستم یک بیوگرافی از فرقه «احمد الحسن» به بنده بدهند. من این بیوگرافی را مطالعه کردم، اما زیاد مسئله برایم روشن نشد. وقتی کلیپ صحبت ده دقیقه‌ای شما را دیدم، فهمیدم که خوب محکمت آن‌ها را زیر سؤال بردید.

من در ده دقیقه پنج شبهه مطرح کردم. شاید این افراد تا الآن نزدیک به بیست ساعت به آن ده دقیقه من پاسخ دادند و هنوز هم پاسخ می‌دهند. آنچنان بر مبانی فکری این افراد ضربه وارد شده است که دادشان به آسمان رفته است و همینطور بحث‌ها را ادامه می‌دهند.

مدعیان «احمد الحسن» هر روز کسی را در شبکه‌هایشان یا فضای مجازی می‌آورند و این بحث‌ها را مطرح می‌کنند. دوستان این ده دقیقه را سی، چهل بار ببینند و داشته باشند. ما تلاش کردیم و از این پنج شبهه پنج کلیپ جداگانه درست کردیم.

بنده در این کلیپ‌ها هر حرفی زدم، کتاب آن را هم نشان دادم که در اینجا هم بعضی از آن موارد را خدمت شما عرض می‌کنم. وقتی کتاب‌های خودشان را به این افراد نشان می‌دهید و می‌گویید که او در کتاب‌های خودش این ادعاها را دارد مبهوت می‌مانند.

### مهمترین ادعاهای «احمد الحسن»

او نسبت به انبیاء الهی ادعاهایی مطرح کرده است، نسبت به امیرالمؤمنین جسارت و قیحانه دارد، نسبت به حضرت سیدالشهداء عبارات وقیح و کفرآمیز دارد. آیا او می‌تواند نماینده حضرت ولی عصر باشد؟ آیا او می‌تواند وکیل حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) باشد؟

من چند نکته را خیلی فشرده عرض می‌کنم. سپس اگر سؤالاتی از طرف دوستان بود پاسخ خواهم داد.

### ۱- ادعای فرزندی امام زمان (سلام الله علیه)

یکی از بحث‌های این افراد این است که او معتقد هست من فرزند حضرت مهدی هستم. در کتاب «دعوت سید أحمد الحسن همان حق آشکار است» وارد شده است: "اسم شریف آقایمان سید احمد پسر سید اسماعیل پسر سید صالح پسر سید حسین پسر سید سلمان پسر امام مهدی حضرت صاحب الزمان است."

همچنین در کتاب «جواب‌های روشن کننده از راه امواج» که تألیف «احمد الحسن» هست، مطالب دیگری وارد شده است.

این افراد جنگ مسلحانه‌ای در سال ۲۰۱۷ میلادی در بصره شروع کردند که ارتش عراق حدود ۲۵۰ تن از طرفدارانشان را تارومار کرد. این افراد سپس در سال ۲۰۱۸ تشکیلات «جند السماء» را درست کردند و می‌خواستند به نجف و کربلا حمله کنند و مراجع عظام را بکشند.

یکی از ایده‌های این افراد از بین بردن مراجع عظام تقلید است و در نواری هم که از امام جمعه طرفداران «احمد الحسن» در شهر جعفریه واقع در قم ضبط شد، گفته بود: "ای طرفداران «احمد الحسن» کتاب‌ها، فرش‌ها و ماشین‌هایتان را بفروشید و اسلحه بخرید. آماده باشید هرگاه امامان «احمد الحسن» دستور داد قیام می‌کنیم و روحانیت و طلاب و مراجع را پانصد نفر پانصد نفر قتل عام می‌کنیم، از نجف شروع می‌کنیم و به قم می‌رسیم." این افراد معتقدند وجود مراجع عظام شیعه و روحانیت مانع آمدن حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) است. لذا خطر این افراد به مراتب بدتر از منافقین و حتی بدتر از داعش است. ما چنین تفکری را در طرفداران داعش و وهابیت هم نداشتیم که هسته مرکزی تشیع را هدف بگیرند.

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید:

«مَنْ كَانَ مِنْكُمْ مِمَّنْ قَدْ رَوَى حَدِيثَنَا وَ نَظَرَ فِي حَالِنَا وَ حَرَامِنَا وَ عَرَفَ أَحْكَامَنَا فَلْيَرْضُوا بِهِ حَكْمًا فَإِنِّي قَدْ جَعَلْتُهُ عَلَيْكُمْ حَاكِمًا فَإِذَا حَكَمَ بِحُكْمِنَا فَلَمْ يَقْبَلْهُ مِنْهُ فَإِنَّمَا اسْتَحَفَّ بِحُكْمِ اللَّهِ وَ عَلَيْنَا رَدٌّ وَ الرَّادُّ عَلَيْنَا الرَّادُّ عَلَى اللَّهِ وَ هُوَ عَلَى حَدِّ الشُّرْكِ بِاللَّهِ»

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۱، ص



جالب اینجاست که او می‌گوید: "از شما به خداوند عالم شکایت نخواهم کرد بلکه به جدم رسول خدا از شما شکایت خواهم کرد، چون او مرا در وصیت خود ذکر کرده است. رسول خدا اسم و نسب و ویژگی‌هایم را ذکر کرده است." حال من حدیث وصیت که به نظر من روایت جعلی و ضعیف است که به آن استناد می‌کنند را به شما نشان می‌دهم.

او در ادامه می‌گوید: "پدرانم ائمه اطهار از شما شکایت خواهند کرد، چون آن‌ها مرا به اسم، نسب، خصوصیات و محل سکونت ذکر کرده‌اند."

او با کمال وقاحت می‌نویسد: "خون امام حسین که در کربلا به خاطر پدرم (حضرت مهدی) و من جاری شد از شما شکایت خواهد کرد."

این عبارت کفر صریح است که امام حسین به خاطر «احمد بصری» در کربلا شهید شده است!!

از طرفی چنین ادعاهایی دارد و از طرف دیگر وقتی اعتراض‌ها زیاد می‌شود، از او سؤال می‌کنند که دوست داریم شجره نامه کامل «سید احمد» را بدانیم. او در جواب می‌گوید: "درخواست شما جهت اطلاع از شجره نامه «سید احمد» هیچ نفعی برای شناخت حقانیت «سید احمد الحسن» ندارد، زیرا وی تقریباً از نسل پنجم مقطوع النسب است!"

او از طرفی ادعا می‌کند که پیغمبر اکرم و ائمه اطهار اسم و نسب و محل سکونت و ویژگی‌های مرا معین کردند، امام حسین به خاطر من و پدرم شهید شده است و از طرف دیگر چنین ادعایی دارد!

او در جای دیگر می‌نویسد: "مسئله اثبات نسب و نصب امام مهدی جز از طریق خداوند و خود امام مهدی امکان پذیر نیست."

اگر مراد از این امام مهدی، حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) است آیت الله صافی گلپایگانی در کتاب «منتخب الأثر» نزدیک به چهار هزار روایت در رابطه با حضرت مهدی ذکر کرده است و این روایات در خصوص ولادت، نسب، ظهور، علائم ظهور، کیفیت ظهور و کیفیت حکومت حضرت را بیان فرموده است.

او ادعا می‌کند که من جزو مهدیون هستم و روایت آوردند که من در اینجا برای شما نشان می‌دهم که قطعاً هم قبلاً دیدید. پیغمبر اکرم فرمود: بعد از حضرت مهدی دوازده مهدی خواهد آمد که من جزو اولین مهدی هستم.

اگر مراد از این امام مهدی همان «احمد الحسن» است، ایشان از اینطرف ادعا می‌کند که امامت جز از طریق خداوند و خود امام مهدی امکان پذیر نیست و از طرف دیگر در مورد شجره و جد خود صحبت می‌کند. این‌ها کجا بوده است؟!؟

از او سؤال می‌کنند: "آیا امام مهدی جد پنجم شماست، همانطور که انصار شما را ادعا می‌کنند؟!" او در جواب می‌گوید: "خیر!"

ما نفهمیدیم که ایشان فرزند امام مهدی است یا فرزند امام مهدی نیست. امام مهدی جد چندم ایشان است؟ اصلاً امام مهدی ارتباطی با ایشان دارد یا او از جد پنجم مقطوع النسب است!؟

### حدیث وصیت و ادعای حقانیت احمد الحسن

آن‌ها بحث‌هایی دارند که من نمی‌خواهم روی آن وقت شما را بگیرم. من در رابطه با وصیت که ایشان خیلی روی آن عنایت دارد و قصد دارد آن را مفصل به رخ بکشد بیان می‌کنم.

در کتاب «الغیبة» اثر «شیخ طوسی» روایتی بیان شده است که عمده ادعاهای طرفداران «احمد الحسن» به این ادعا برمی‌گردد. این روایت سنداً ضعیف است، چند راوی مجهول دارد و معتبر نیست که اصلاً ما کاری با این مباحث نداریم.

این روایت که از امیرالمؤمنین می‌رسد، چنین است:

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ فِي اللَّيْلَةِ الَّتِي كَانَتْ فِيهَا وَفَاتَهُ لِعَلِيٍّ ع»

پیغمبر اکرم در شب رحلتش به علی بن ابی طالب فرمود:

«يَا أَبَا الْحَسَنِ أَحْضِرْ صَحِيفَةً وَ دَوَاةً فَأَمْلَأْ رَسُولُ اللَّهِ وَصِيَّتَهُ حَتَّى انْتَهَى إِلَى هَذَا الْمَوْضِعِ»

یا ابا الحسن! کاغذ و دواتی آماده کن و رسول الله وصیت‌نامه‌ای تا آخر املا فرمودند.

«فَقَالَ يَا عَلِيُّ إِنَّهُ سَيَكُونُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ إِمَاماً»

پیغمبر اکرم فرمود: یا علی! بعد از من دوازده امام خواهد آمد.

این قضیه قطعی است و در حد فوق تواتر است.

«وَمِنْ بَعْدِهِمْ اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيّاً»

و بعد از آن‌ها دوازده مهدی خواهند آمد.

تمام بحث طرفداران «احمد الحسن» روی «اثنا عشر مهدیاً» است.

«فَأَنْتَ يَا عَلِيُّ أَوَّلُ الْإِثْنَيْ عَشَرَ إِمَاماً»

یا علی! تو اولین این دوازده امام هستی.

«سَمَّاكَ اللَّهُ تَعَالَى فِي سَمَائِهِ عَلِيّاً الْمُرْتَضَى وَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الصِّدِّيقَ الْأَكْبَرَ وَ الْفَارُوقَ الْأَعْظَمَ وَ الْمَأْمُونِ

وَ الْمَهْدِيِّ»

خداوند عالم در آسمان‌ها تو را علی مرتضی، امیرالمؤمنین، صدیق اکبر، فاروق اعظم، مأمون و مهدی نام نهاده است.

«فَلَا تَصِحُّ هَذِهِ الْأَسْمَاءُ لِأَحَدٍ غَيْرِكَ»

این اسماء برای احدی غیر از تو جایز نیست.

دقت داشته باشید که این روایت در همان ابتدا باهم تعارض و تناقض دارد. اولاً این روایت نسبت به حضرت ولی عصر اشکال ایجاد می‌کند. پیغمبر اکرم در این روایت فرمود: یا علی! نام مهدی تنها منحصر به توست. مگر نام حضرت ولی عصر مهدی نیست؟ این روایت حضرت مهدی را هم نفی می‌کند.

از طرف دیگر در این روایت آمده است: «وَمِنْ بَعْدِهِمْ اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًّا». این چه معنایی دارد و «فَلَا تَصِحُّ هَذِهِ الْأَسْمَاءُ لِأَحَدٍ غَيْرِكَ» چه معنایی دارد؟! به قول معروف انسان دروغگو کم حافظه است. کسانی که روایت جعل می‌کنند، توجه به واژه‌ها و فرازهای روایت ندارند.

در ادامه روایت وارد شده است:

«فَإِذَا حَضَرَتْكَ الْوَفَاةُ فَسَلِّمْهَا إِلَى ابْنِي الْحَسَنِ الْبَرِّ الْوُضُولِ»

وقتی وفات تو رسید این وصیت را به فرزندم امام حسن بسپار.

«فَإِذَا حَضَرَتْهُ الْوَفَاةُ فَلْيَسَلِّمْهَا إِلَى ابْنِي الْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ الرَّكِيِّ الْمَقْتُولِ»

وقتی زمان وفات امام حسن رسید، این وصیت را به فرزندم حسین شهید بسپار.

«فَإِذَا حَضَرَتْهُ الْوَفَاةُ فَلْيَسَلِّمْهَا إِلَى ابْنِهِ سَيِّدِ الْعَابِدِينَ ذِي الثَّنَاتِ عَلَى فَإِذَا حَضَرَتْهُ الْوَفَاةُ فَلْيَسَلِّمْهَا إِلَى ابْنِهِ

مُحَمَّدِ الْبَاقِرِ فَإِذَا حَضَرَتْهُ الْوَفَاةُ فَلْيَسَلِّمْهَا إِلَى ابْنِهِ جَعْفَرِ الصَّادِقِ فَإِذَا حَضَرَتْهُ الْوَفَاةُ فَلْيَسَلِّمْهَا إِلَى ابْنِهِ مُوسَى

الْكَاظِمِ فَإِذَا حَضَرْتَهُ الْوَفَاةُ فَلْيَسَلِّمْهَا إِلَى ابْنِهِ عَلَى الرَّضَا فَإِذَا حَضَرْتَهُ الْوَفَاةُ فَلْيَسَلِّمْهَا إِلَى ابْنِهِ مُحَمَّدِ الثَّقَةِ  
الثَّقِيِّ فَإِذَا حَضَرْتَهُ الْوَفَاةُ فَلْيَسَلِّمْهَا إِلَى ابْنِهِ عَلَى النَّاصِحِ فَإِذَا حَضَرْتَهُ الْوَفَاةُ فَلْيَسَلِّمْهَا إِلَى ابْنِهِ الْحَسَنِ  
الْفَاضِلِ فَإِذَا حَضَرْتَهُ الْوَفَاةُ فَلْيَسَلِّمْهَا إِلَى ابْنِهِ مُحَمَّدِ الْمُسْتَحْفَظِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ ع

سپس می نویسد:

«فَذَلِكَ اثْنَا عَشَرَ إِمَامًا ثُمَّ يَكُونُ مِنْ بَعْدِهِ اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًّا»

بعد از آن دوازده امام و بعد از آن دوازده مهدی خواهند آمد.

«فَإِذَا حَضَرْتَهُ الْوَفَاةُ»

وقتی که زمان وفاتش فرا رسيد.

وقتی که حضرت مهدی قیام کرد، حکومتش را مستقر کرد و بعد از طی دوران حکومتش که می خواهند از دنیا  
بروند؛

«فَلْيَسَلِّمْهَا إِلَى ابْنِهِ أَوَّلِ الْمُقَرَّبِينَ لَهُ ثَلَاثَةَ أَسْمَاءٍ»

حکومت را به فرزندش که اول مقربین است و برای او سه نام است بسپارد.

ایشان ادعا می کند که من فرزند حضرت مهدی هستم و پدرم مرا فرستاده است. این روایت می گوید وقتی که  
حضرت مهدی می آید، قیام می کند، حکومت می کند و می خواهد از دنیا برود به اول مهدیین وصیت می کند.

الآن شما چه کاره هستید؟ چه غلطی می کنید که جامعه شیعه را به هم زدید و این همه افراد را به انحراف  
کشانید؟!

اگر این روایت ملاک شماسست، وقتی حضرت مهدی (ارواحنا فداه) آمدند و بعد از آمدن شما را انتخاب کردند ما نه تنها بیعت می‌کنیم بلکه خاک زیر پای تو را هم می‌بوسیم و افتخار هم می‌کنیم در خدمت شما باشیم.

الآن حضرت مهدی نیامده است، قیام نکرده است، حکومتی برپا نکرده است. تمام بساط این افراد این روایت است. تمام معرکه‌ای که ایجاد کردند و انحرافات‌ی که به راه انداختند همگی روی این روایت است.

**«اسْمُ كَاسِمِي وَ اسْمِ أَبِي وَ هُوَ عَبْدُ اللَّهِ وَ أَحْمَدُ وَ الْإِسْمُ الثَّلَاثُ الْمُهْدِي هُوَ أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ»**

نامی چون نام من احمد، نامی چون نام پدرم عبد الله و نام سوم مهدی است و او اول ایمان آورندگان است.

الغيبة (للطوسی) / کتاب الغيبة للحجة، نویسنده: طوسی، محمد بن الحسن، محقق / مصحح: تهرانی،

عباد الله و ناصح، علی احمد، ص ۱۵۰، باب الکلام علی الواقفة

او در کتاب خود ادعا می‌کند به دلیل اینکه اسم من «احمد» است، در اینجا مراد من هستم. مشاهده کنید تمام ادعای آقایان همینقدر است.

## ۲- ادعای یمانی موعود بودن

بحث‌های دیگری که این فراد دارند و ضرورت دارد عزیزان ما بدانند این است که او ادعا می‌کند: "من یمانی هستم که پیغمبر اکرم بشارت آمدن او را داد."

اولاً ما روایات مختلفی داریم که یمانی اهل صنعاء واقع در یمن است. وقتی به او گفتند: "تو اهل بصره هستی و یمانی اهل یمن هست"، گفت: "آن زمان یمن شامل یمن و عراق و مصر بود!"

این در حالی است که ما روایاتی داریم که «سید یمانی» از یمن شهر صنعاء برمی‌خیزد، نه از عراق و نه بصره!! طبق روایات ما کسی که از عراق و دجله بصره می‌آید، دجالی از بصره است.

من خدمت شما می‌گویم کسی که در روایات ما هست از بصره خواهد آمد، دجال است. دجالی از دجله بصره قیام می‌کند که تمام مشخصات آن روایت هم در این آقا کاملاً مشخص است. اضافه بر اینکه اگر تو یمانی هستی، ما در روایت داریم:

**«خُرُوجُ الشُّفِيَانِي وَ الْيَمَانِي وَ الْخُرَاسَانِي فِي سَنَةِ وَاحِدَةٍ فِي شَهْرِ وَاحِدٍ فِي يَوْمٍ وَاحِدٍ»**

خروج سفیانی و یمانی و سید خراسانی در یک سال و یک ماه و یک روز است.

الغیبة للنعمانی، نویسنده: ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ص ۲۵۵،

ح ۱۳

ما کاری با سند روایت نداریم. شما که دعا می‌کنید من «یمانی» هستم، «سفیانی» و «سید خراسانی» کجاست؟! روایت می‌فرماید که این سه نفر در یک روز قیام می‌کنند، در یک روز ظهور می‌کنند و در یک روز دعوت‌ها شروع می‌شود. این هم دروغ دیگر این افراد است!!

**۳- ادعای شاگردی امام زمان (سلام الله علیه)**

بحث دیگری که عزیزان باید به آن دقت کنند تحصیلات اوست. او در یک جا ادعا می‌کند که من برای درس خواندن به نجف رفتم. یک سال در آنجا بودم و دیدم حوزه‌های علمیه نجف همگی ظلمت است و بحث‌های انحرافی دارد و از آنجا بیرون آمدم.

او یک جا ادعا می‌کند که من در دانشکده افسری بغداد درس خواندم. او در جای دیگری ادعا می‌کند که من نزد پدرم حضرت مهدی درس خواندم. کسی که نزد حضرت مهدی درس خوانده باشد، احتیاجی به حوزه علمیه نجف و دانشکده افسری و دانشکده مهندسی ندارد.

به قدری دروغ در ادعاهای این شخص جمع شده است که اگر کسی یک جو وجدان و عقل داشته باشد از این شخص طرفداری نمی‌کند.

#### ۴- ادعای جهنمی بودن حضرت یونس

در اینجا چند نکته وجود دارد که عزیزان باید به آن دقت کنند. کفریاتی در آثار ایشان هست که بسیار مهم است. من تلاش می‌کنم این موارد را در چند صفحه پرینت بگیرم و به دوستان بدهم تا در اختیار داشته باشند. اگر می‌خواهند این صفحات را تکثیر کنند و از افرادی که آلوده می‌شوند سؤال کنند تا آگاه شوند.

در رابطه با حضرت یونس (علیه السلام) تعبیری دارد که خودتان تشخیص بدهید واقعاً کفر هست یا کفر نیست!! در کتاب «المتشابهات» اثر جانشین و فرستاده امام مهدی «سید احمد الحسن» وارد شده است:

"یونس در شکم ماهی مُرد و روحش به ظلمات جهنم نگرست و نیز به طبقات پایین آن نگاه کرد و منظور از درخت در اینجا دین است.

#### (وَ أَتْبْنَا عَلَيْهِ شَجْرَةً مِنْ يَفْطِين)

و کدوبنی بر او رویانندیم (تا در سایه برگهای پهن و مرطوبش آرامش یابد).

#### سوره صافات (۳۷): آیه ۱۴۶

پس از آنکه ماهی یونس را خورد، یونس روحش جدا شد. خدا روح او را به جهنم فرستاد تا آن را ببیند. آری یونس جهنم و ظلمات آن را درک کرد. در آنجا قارون را دید... من حقیقت را آشکار می‌کنم. جسد او در بیابان عریان و بی سرپناه افتاد و روحش در طبقات جهنم تا روز برانگیخته شدن باقی ماند!"

مراد از ادعای او این است که حضرت یونس (علی نبینا و آله و علیه السلام) به جهنم رفت و تا قیام قیامت در آنجا هست. حال مشاهده کنید قرآن کریم در رابطه با حضرت یونس چه دارد!



(وَ ذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ)

و ذا النون (یونس) را (به یاد آور)، در آن هنگام که خشمگین (از میان قوم خود) رفت، و چنین می‌پنداشت که ما بر او تنگ نخواهیم گرفت، (اما موقعی که در کام نهنگ فرو رفت) در آن ظلمت‌ها (ی متراکم) فریاد زد خداوندا! جز تو معبودی نیست، منزهی تو، من از ستمکاران بودم.

این همان آیه‌ای است که آقایان هرشب در نماز غفیله می‌خوانند.

(فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَ نَجَّيْنَاهُ مِنَ الْعَمِّ وَ كَذَلِكَ نُنَجِّي الْمُؤْمِنِينَ)

ما دعای او را به اجابت رساندیم، و از آن اندوه نجاتش بخشیدیم، و همین گونه مؤمنان را نجات می‌دهیم.

سوره انبیاء (۲۱): آیات ۸۷ و ۸۸

بالاترین غم حضرت یونس زندانی شدن در شکم ماهی است. قرآن کریم می‌فرماید: (وَ نَجَّيْنَاهُ مِنَ الْعَمِّ وَ كَذَلِكَ نُنَجِّي الْمُؤْمِنِينَ). مهم‌تر از همه فرمایش دیگر قرآن کریم است، آنجا که می‌فرماید:

(وَ إِنَّ يُونُسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ)

و یونس از رسولان ما بود.

(إِذْ أَبَقَ إِلَى الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ)

به خاطر بیاور زمانی را که به سوی کشتی مملو (از جمعیت و بار) فرار کرد.

بنده تلاش می‌کنم تا فردا این قسمت پاورپوینت را تلخیصی کنم و آن را برای شما بفرستم. در این آیه شریفه وارد شده است که کشتی سنگین شده بود و حرکت نمی‌کرد یا ماهی بزرگی آمد و قرار شد یکی دو نفر از افراد را از کشتی بیرون بیندازند.

**(فَسَاهَمَ فَكَانَ مِنَ الْمُدْحَضِينَ)**

و با آن‌ها قرعه افکند (و قرعه بنام او اصابت کرد و) مغلوب شد.

افراد حاضر در کشتی تصمیم گرفتند یونس را از کشتی به بیرون بیندازند تا کشتی سبک شود و حرکت کند.

**(فَالْتَقَمَهُ الْحُوتُ وَ هُوَ مُلِيمٌ)**

(او را به دریا افکندند) و ماهی عظیمی او را بلعید، در حالی که مستحق ملامت بود!

**(فَلَوْ لَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ)**

و اگر او از تسبیح‌کنندگان نبود ...

**(لَلَّيْتُ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُنْعَثُونَ)**

تا روز قیامت در شکم ماهی می‌ماند.

در حقیقت خداوند عالم معجزه‌های بیان می‌کند و قضیه‌ای طبیعی نیست. اگر نهنگ کسی را بخورد تکه تکه می‌شود و حتی دو ثانیه هم در آنجا زنده نمی‌ماند. این معجزه‌ای است که خداوند عالم در قرآن کریم مطرح می‌کند. به دلیل اینکه حضرت یونس از مسبحین بود؛

**(فَتَبَدَّنَاهُ بِالْغَرَاءِ وَ هُوَ سَقِيمٌ)**

(به هر حال ما او را رهایی بخشیدیم و) او را در یک سرزمین خشک خالی از گیاه افکندیم در حالی که بیمار بود.

حضرت یونس در چند ساعتی که در شکم ماهی مانده بود پوست بدنش نازک شده بود و با وزش باد پوست بدنش سوزش داشت.

**(وَ أَنْبَأْنَا عَلَيْهِ شَجَرَةً مِنْ يَقْطِينٍ)**

و کدوبنی بر او رویاندیم (تا در سایه برگهای پهن و مرطوبش آرامش یابد).

به قول معروف بهترین دارو برای کسی که بیماری پوستی دارد، برگ‌های کدو است. عزیزان به این آیه خوب دقت کنند:

**(وَ أَرْسَلْنَاهُ إِلَىٰ مِائَةِ أَلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ)**

و او را به سوی جمعیت یکصد هزار نفری، یا بیشتر، فرستادیم.

**سوره صافات (۳۷): آیات ۱۳۹ تا ۱۴۷**

حضرت یونس رفت و قومش را به طرف خداوند متعال دعوت کرد. حال «احمد بصری» ادعا می‌کند روح حضرت یونس نستجیر بالله به طرف جهنم رفت و تا قیام قیامت در آنجاست!!!

قرآن کریم می‌فرماید: ما حضرت یونس را نجات دادیم و برای هدایت قومش فرستادیم تا آنها را دعوت کند. آیا کفری بالاتر از این وجود دارد؟ آیا این ضدیت با قرآن کریم و انکار قرآن کریم نیست؟ انکار یک کلمه و یک حرف از قرآن کریم کفر است، چه رسد به این حرف!

آیا اینکه انسان پیغمبر بزرگواری همانند حضرت یونس را نستجیر بالله مستحق آتش جهنم بدانند، آن هم تا قیامت به آنجا برود در آتش جهنم بماند، کفر نیست؟! اگر این مطالب کفر نیست، کفر چیست؟! اگر این حرف ارتداد نیست، ما دیگر ارتدادی نداریم.

از این نمونه‌ها در حرف‌های او الی ماشاءالله وجود دارد. یکی از طرفداران او به نام «فتحیه» به کلیپ من جواب داده است و می‌گوید: «آقای قزوینی شما قرآن نمی‌خوانید. اگر ماهی یا نهنگ شما را بخورد، شما زنده می‌مانید؟!» بحث خوردن من نیست، خوردن حضرت یونس است و معجزه‌ای است که قرآن کریم آن را مطرح می‌کند. متأسفانه یا خوشبختانه ایشان می‌خواست جواب بدهد، اما آمده ابرو را درست کند چشم را هم کور کرد. او ادعا می‌کند: «احمد الحسن» راست می‌گوید. حضرت یونس را ماهی خورد و تمام شد و رفت!!»

پس قرآن کریم را برای ما معنا کنید که می‌فرماید: (فَتَبَدَّلْنَا بِالْعَرَاءِ وَ هُوَ سَقِيمٌ وَ أَرْسَلْنَاهُ إِلَى مِائَةِ أَلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ)! چرا این آیه را نمی‌خوانید؟

او ادعا می‌کند (فَأَسْتَجَبْنَا لَهُ وَ نَجَّيْنَاهُ مِنَ الْعَمِّ) به معنای این است که او را از مرگ نجات دادیم؟! در اینجا نفرموده است «و نجیناه من الموت»!!! مغلطه را نگاه کنید. قرآن کریم «و نجیناه من الموت» نفرموده است، بلکه می‌فرماید: (وَ نَجَّيْنَاهُ مِنَ الْعَمِّ)!! یعنی حضرت یونس را از غم نجات دادیم و به آتش جهنم فرستادیم؟! در این صورت نه تنها حضرت یونس نجات نیافت، بلکه گرفتارتر هم شد! این نکته‌ای است که خوب است عزیزان روی آن کار کنند.

قضیه حضرت ابراهیم و توهین به رسول گرامی اسلام نمونه‌های دیگری از کفریات اوست، اما به این دو نکته‌ای که می‌خواهم عرض کنم خوب دقت کنید. او حتی از حضرت امیرالمؤمنین و امام حسین هم نگذشته است.

## بر پدر کسی لعنت که بگوید «یا ابوالفضل» شرک است!

بچه شیعه‌هایی که جذب طرفداران «احمد الحسن» می‌شوند، عموماً مذهبی هستند و عشق به ائمه اطهار و امیرالمؤمنین و امام حسین دارند. ما باید از این عشقی که به ائمه اطهار دارند استفاده کنیم.

بنده یک هفته در میان، همین بحث را در پردیسان دارم. آیت الله سبحانی روزی به من زنگ زد و گفت: آقای است که بیست سال مبلغ وهابیت بوده و همشهری ما هم هست و اهل اردبیل است. او به قم آمده و می‌خواستم با شما صحبت کند. من قبول کردم و ایشان بعد از نماز مغرب و عشاء به منزل ما آمد. من دیدم جوان حدود ۳۷ ساله است.

او گفت: من چند سال در مدینه در دانشگاه اسلامی مدینه درس خواندم، به ریاض رفتم و در دانشگاه محمد بن سعود درس خواندم و در ترکیه هم دوره دیدم. تعدادی از جوانان سنی را به طرف وهابیت و جوانان شیعه را به اهل سنت کشاندم. او گزارش مفصلی داد.

من گفتم: چطور شد که برگشتی؟ آیا تحقیق کردی و به این نتیجه رسیدی که وهابیت باطل هستند؟ او گفت: نه، داستان من غیر از این است. من در مورد داستان زندگی‌اش از او سؤال کردم، اما دیدم که ظاهراً نمی‌خواهد به صراحت بگوید. من پرسیدم: چطور شد برگشتی؟

او گفت: حق مطلب این است که ما اخیراً با این افراد جلسه داشتیم. ایام تاسوعای حسینی در شهر ما اردبیل پانصد هزار نفر یا بیشتر جمع می‌شوند و «یا ابوالفضل» و «یا قمر بنی هاشم» می‌گویند. آن‌ها به من می‌گفتند که به این‌ها بگو «یا ابوالفضل» و «یا قمر بنی هاشم» شرک و کفر است. «یا عباس» نگویند، بلکه «یا الله» بگویند.

من به غیرتم برخورد و عصبانی شدم و گفتم: به من گفتی «یا رسول الله» شرک است قبول کردم، گفتی «یا علی» شرک است و قبول کردم، گفتی «یا حسین» شرک است و قبول کردم، اما دیگر نمی‌توانم قبول کنم که «یا ابوالفضل» شرک است و زیر بار نمی‌روم.

او می‌گفت: من گفتم بر پدر کسی لعنت که بگوید «یا ابوالفضل» شرک است و از جلسه بیرون آمدم و آن‌ها را ترک کردم. الآن چندین ماه است آن‌ها به دنبال من می‌گردند تا مرا بکشند.

بعضی از افراد تا دم در جهنم هم می‌روند چه بسا درب جهنم هم باز می‌شود و یک قدم داخل جهنم و یک قدم بیرون جهنم می‌گذارند، اما عرق مذهبی و عنایت اهل بیت و گفتن عمری «یا حسین»، «یا زهرا» و «یا ابوالفضل» او را از در جهنم نجات می‌دهد.

همانطور که روایت صحیح داریم که «مرحوم ابن قولویه» در کتاب «کامل الزیارات» دارد کسی خدمت حضرت سیدالشهدا می‌رسد و عرضه می‌دارد: کسانی که برای شما تعظیم و تکریم کنند و در حق شما گریه کنند را چگونه پاداش می‌دهید؟ حضرت فرمود:

« مَنْ زَارَنِي بَعْدَ مَوْتِي زُرْتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَلَوْ لَمْ يَكُنْ إِلَّا فِي النَّارِ

لَأُخْرِجْتُهُ »

اگر آن‌ها را در آتش جهنم هم پیدا کنم، از آتش بیرون می‌آورم.

موسوعة كلمات الإمام الحسين ( عليه السلام ) / تحقیقات پژوهشکده باقر العلوم ( علیه السلام ) . گروه

حدیث پژوهشکده باقر العلوم ( علیه السلام ) قم: سازمان أوقاف وأموار خيرية، انتشارات أسوة، ۱۳۸۳؛

ص ۷۷۶

اهل بیت این چنین هستند! اگر ما در تمام عمرمان به اندازه یک ثانیه برای امام حسین خالصانه گریه کنیم، نه برای دنیا و نه برای بهشت و نه برای جهنم؛ قطعاً نجات می‌یابیم. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

(إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَ لَا شُكُورًا)

(و می‌گویند:) ما شما را برای خدا اطعام می‌کنیم و، هیچ پاداش و تشکری از شما نمی‌خواهیم.

## سوره إنسان (۷۶): آیه ۹

اگر یک ثانیه گریه‌های ما در پرونده ما ثبت شده باشد، یقین داشته باشید این یک ثانیه روزی دست ما را خواهد گرفت.

بچه‌هایی که جذب این گروه‌ها می‌شوند عرق مذهبی و ولایی دارند و نسبت به امام حسین و امیرالمؤمنین و حضرت صدیقه طاهره علاقه‌مند هستند. ما هم باید از عرق ولایی آن‌ها در برخورد با کسانی که به کفریات «احمد بصری» آلوده شدند، استفاده کنیم.

### ۵- اهانت و قیحانه به ساحت مقدس امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)

مشاهده کنید در کتاب «المتشابهات» جلد چهارم تألیف «احمد الحسن» مطالبی پیرامون سوره کف آیه ۵۴ بیان شده است که خداوند متعال می‌فرماید:

**(وَ كَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا)**

ولی انسان بیش از هر چیز به جدل می‌پردازد.

### سوره کف (۱۸): آیه ۵۴

او در خصوص اینکه مراد از (الْإِنْسَانُ) کیست می‌نویسد: "جدل در این آیه به معنای کلام حق و حجت آوردن با آن بر اهل باطل است. مراد از (الْإِنْسَانُ) در این آیه علی بن ابی طالب است، به این معنا که (الْإِنْسَانُ) هرگاه گمراه شود به باطل مجادله می‌نماید."

مشاهده کنید که او این آیه را به حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) برمی‌گرداند. سپس می‌نویسد: "مجادله بین اهل باطل اگر بر عقل سالم عرضه شود که امور را به دور از هوای نفس و تعصب بررسی می‌کند، نادانی و ضعف است."

معنای حرف او این است که مراد از (الْإِنْسَانُ) امیرالمؤمنین است که گمراه می‌شود و به باطل مجادله می‌کند!! این مشابه همان برداشتی است که دودمان بنی امیه احادیثی را جعل کردند (وَ كَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا) را به علی بن ابی طالب تفسیر کردند.

در کتاب «صحیح بخاری» وارد شده است که مراد از (وَ كَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا) علی بن ابی طالب است که نستجیر بالله با حضرت فاطمه زهرا نماز صبحشان قضا می‌شد، پیغمبر اکرم آن‌ها را نصیحت می‌کردند و آن‌ها نصیحت پیغمبر اکرم را قبول نمی‌کردند!! این هم از کفریات دیگر اوست!  
در آیه دیگر وارد شده است:

(وَ الْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ)

به عصر سوگند، که انسان‌ها همه در زیان‌اند.

سوره عصر (۱۰۳): آیات ۱ و ۲

در کتاب «المتشابهات» جلد سوم وارد شده است که مراد از (وَ الْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ) به چه معناست؟! جواب: "امیرالمؤمنین همان انسان است و او در خیر و زیان است، نسبت به حضرت محمد و مقام حضرت محمد بالاتر و عظیم‌تر از مقام حضرت علی است."

«امیرالمؤمنین علی فهو الإنسان فهو في خسر بالنسبة إلى محمد»

حال به روایاتی که از ائمه اطهار در رابطه با (إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ) وارد شده است توجه کنید. در کتاب «کمال الدین» اثر «شیخ صدوق» وارد شده است:

«سَأَلْتُ الصَّادِقَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ ع عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ الْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ قَالَ ع الْعَصْرُ

عَصْرُ خُرُوجِ الْقَائِمِ ع إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ يَغْنِي أَعْدَاءَنَا»



کمال الدین و تمام النعمة، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج ۲،

ص ۶۵۶، ج ۱

حضرت به صراحت می‌فرماید مراد از (الْإِنْسَان) که در اینجا در خسارت است، دشمنان ما اهل بیت هستند. وقتی که حضرت مهدی می‌آید، دشمنان اهل بیت ضرر می‌کنند و در خسرات هستند.

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید مراد از (الْإِنْسَان) در (إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ) دشمنان اهل بیت است، اما «احمد بصری» ادعا می‌کند که مراد از (الْإِنْسَان) علی بن ابی طالب است. آیا این کفر نیست؟ چقدر یک انسان باید وقیح باشد که نسبت به حضرت امیرالمؤمنین چنین حرفی را بزند.

همچنین در روایتی که در کتاب «إقبال الأعمال» اثر «سید بن طاووس» دارد وارد شده است:

«إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ أَغْدَاءَ آلِ مُحَمَّدٍ»

إقبال الأعمال، نویسنده: ابن طاووس، علی بن موسی، ج ۱، ص ۴۵۷، فصل فی بعض تفصیل ما جرت

علیه حال یوم الغدیر من التعظیم و التبجیل

در مناقب «ابن شهر آشوب مازندرانی» جلد ۳ صفحه ۶۱ وارد شده است:

«وَالْغَضْرُ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ يَغْنِي أَبَا جَهْلٍ»

مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، نویسنده: ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، ج ۳، ص ۶۱،

فصل فی أنه مع الحق و الحق معه

یکی از مصادیق (إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ) «ابوجهل» بوده است، اما این آقا ادعا دارد که مراد از (إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي

خُسْرٍ) حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) است.

بازهم جسارتی دیگر و کفریاتی دیگر! در کتاب «المتشابهات» جلد چهارم صفحه ۲۵ وارد شده است که مراد از:

«إِلَهِي قَلْبِي مَحْجُوبٌ وَ نَفْسِي مَغْيُوبٌ وَ عَقْلِي مَغْلُوبٌ وَ هَوَائِي غَالِبٌ وَ طَاعَتِي قَلِيلَةٌ وَ مَعْصِيَتِي كَثِيرَةٌ وَ

لِسَانِي مُقِرٌّ بِالذُّنُوبِ»

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۸۴، ص

۳۴۱، ح ۱۹

چیست؟ عزیزان می‌دانند که امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) در بسیاری از آثارشان از قبیل «شرح دعای سحر» و کتاب «مصباح الهدایة و الولاية» می‌گوید: ائمه اطهار عباراتی که در دعاها آوردند را می‌خواهند به ما یاد بدهند و مقامشان بسیار بالاتر و والاتر از این است.

او می‌نویسد: "عبارت «إِلَهِي قَلْبِي مَحْجُوبٌ وَ نَفْسِي مَغْيُوبٌ وَ عَقْلِي مَغْلُوبٌ» از جهت منیت و ظلمت ادا می‌شود." مراد از حرف او این است که از جهت منیت و ظلمتی که علی بن ابی طالب دارد، این عبارت را ادا می‌کند. در ادامه می‌نویسد: "اگر این منیت و ظلمت کم در وجود علی بن ابی طالب نبود، علی (علیه السلام) همان محمد (صلی الله علیه و آله) بود."

در اینجا دو کفر بیان کرده است؛ یک کفر این است که به ساحت مقدس حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) نسبت منیت و ظلمت می‌دهد. کفر دوم این است که ادعا می‌کند اگر این منیت نبود لازم نبود پیغمبر اکرم بیاید، بلکه حضرت علی به جای پیغمبر اکرم می‌رفت.

این همان حرفی است که در مورد عمر بن خطاب نقل می‌کنند که پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرموده است:

«لو لم أبعث فيكم لبعث فيكم عمر»

اگر من مبعوث نمی شدم، عمر بن خطاب مبعوث می شد.

میزان الاعتدال فی نقد الرجال، اسم المؤلف: شمس الدین محمد بن أحمد الذهبی، دار النشر: دار الکتب

العلمیة - بیروت - ۱۹۹۵، الطبعة: الأولى، تحقیق: الشیخ علی محمد معوض والشیخ عادل أحمد

عبدالموجود، ج ۴، ص ۲۲۱، ح ۶۷۷

این حرف «احمد الحسن»، عین کفریاتی است که آن‌ها جعل کردند. البته این حرف‌ها مربوط به دودمان بنی امیه است. آیا فردی که اینطور وقیحانه نسبت به ساحت حضرت امیرالمؤمنین جسارت می‌کند، نستجیر بالله می‌تواند فرستاده حضرت مهدی باشد؟

آیا این شخص می‌تواند فرزند مهدی و مُمهد قیام مهدی باشد؟ آیا این شخص واقعاً می‌تواند فردی باشد که پیغمبر اکرم در وصیتش او را برای نجات مردم و نجات امت فرستاده باشد؟

نمی‌دانم این افراد عقلشان را چکار کردند؟! من واقعاً مبهوت ماندم. حال اگر بعضی از افراد عوام جذب این افراد می‌شوند انسان گلایه ندارد، اما اینکه بعضی از تحصیل کرده‌ها و طلاب ما جذب این کفریات می‌شوند خدا می‌داند برای من تا به حال روشن نشده است. هرچه من به فکرم فشار می‌آورد تا کار این افراد را توجیه کرده باشم، می‌بینم که هیچ توجیهی ندارم.

ما عکس این صفحات را می‌گیریم و خدمت شما می‌دهیم تا تحلیل‌های کوچکی که ما داریم را خدمت خودتان داشته باشید. زمانی که در مقابل افرادی که وارد موبک‌های این افراد می‌شوند قرار می‌گیرید، تنها به اندازه یک دقیقه با آن‌ها صحبت کنید.

به عنوان مثال به آن‌ها بگویید شما که برای زیارت اربعین امام حسین به کربلا آمدید، آیا خبر دارید که این فاسد و دجال نسبت به امام حسین چه تعبیری را به کار برده است؟!

آن‌ها ادعا می‌کنند شما دروغ می‌گویید و این مراجع به شما دروغ گفتند. مراجع به «احمد الحسن» حسادت می‌کنند، زیرا آن‌ها عمری ادعای مرجعیت کردند در حالی که حضرت مهدی آیت الله مکارم یا آیت الله سیستانی را نفرستاده است. حال اگر شما کفریات او را از کتابش نشان بدهید مبهوت می‌مانند.

#### ۶- اهانت وقیحانه به ساحت مقدس سیدالشهداء (سلام الله علیه)

دوستان عزیز در کتاب «المتشابهات» جلد دوم در خصوص مناجات امام حسین در دعای عرفه:

«إِلَهِي أَخْرِجْنِي مِنْ دُلِّ نَفْسِي وَ طَهِّرْنِي مِنْ شَكِي وَ شِرْكِي»

خداوندا مرا از خواری نفسم بیرون آر و از شک و شرکم پاک فرما.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۹۵، ص

۲۲۶، ج ۳

با کمال وقاحت چرندیاتی می‌نویسد که خدا می‌داند من از گفتن این مطالب بدنم می‌لرزد و قسم به امام حسین نقلش برای من سخت است.

او می‌نویسد: "شرک نفسانی که مخفی‌ترین نوع شرک است و همان منیت است. امام حسین (علیه السلام) این معنای شرک و نیز آنچه از شرک به همراه دارد را قصد کرده است."

توصیه ای جدی، که همه طلاب باید در نظر بگیرند

من به شما دوستان عزیز توصیه می‌کنم که وقتی درس می‌خوانید یکی از درس‌هایی که تلاش بکنید خوب روی آن کار کنید بحث رجال است. علم رجال حرف اول را می‌زند.

اگر می‌خواهید فقیه شوید به علم رجال نیاز دارید. اگر می‌خواهید مفسر شوید به علم رجال نیاز دارید. اگر می‌خواهید متکلم یا منبری شوید به علم رجال نیاز دارید.

روایتی که شما در کتاب می‌بینید مادامی که یقین نداشته باشید راویان آن همه ثقه هستند و روایت صحیح است، نمی‌توانید قاطعانه بگویید امام صادق این روایت را فرموده است یا این روایت را امام حسین فرموده است.

بنابراین من از مدیران عزیز اینجا تقاضا دارم روی بحث رجالی طلاب کار کنند. بنده توفیق داشتم در حوزه علمیه بیست سال بحث رجال تدریس کردم.

علی‌رغم اینکه هر استادی در حوزه علمیه دو سال یا سه سال از تدریس یک کتاب خسته می‌شود و می‌رود، اما من بیست سال تمام در حوزه علمیه پایه هشت و نه بحث رجال و پایه ده بحث درایه را تدریس کردم.

کتاب «المدخل إلى علم الرجال و الدراية» که غالباً در حوزه علمیه تدریس می‌شود، تألیف بنده است. این کتاب توسط جامعه مدرسین به چاپ رسیده است.

نمی‌دانم الان نسخه‌ای از این کتاب موجود است یا خیر، اما اگر دوستان بگیرند من عین مبادی العربية ابتدا سؤال طرح کردم سپس سؤال‌ها را جواب دادم و در آخر یک تمرین گذاشتم.

این کتاب سه بخش هجده درسی است، به این معنی که من سه تا هجده تمرین در آنجا دارم. بنده قول صددرصد می‌دهم اگر کسی متن را مطالعه کند و این تمرین را حل کند، خود در علم رجال نیمه متخصص خواهد شد.

بنده برای این تمرین خون دل خوردم. بنده باید روایتی پیدا کنم که هم اخلاقی باشد و هم بحث رجالی آن با متن تطبیق داشته باشد. بنده در خصوص موضوعی که در آن صفحه آوردم به دنبال سندی گشتم که اگر سؤال می‌خواهم طرح کنم، سؤال آن با موضوع درس هماهنگ باشد.

گاهی اوقات اتفاق می افتاد که من چهارده، پانزده ساعت کتاب «کافی» را ورق می زدیم تا ببینیم کدام یک از مباحث رجالی آن به صفحه ای که من آوردم و می خواهم سؤال طرح کنم و تمرین بدهم می خورد!

ان شاءالله دوستان این کتاب را تهیه کنند و اگر در آنجا تهیه نکردند فایل آن در سایت «مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر» به صورت پی دی اف و اچ تی ام ال موجود است. دوستان می توانند این کتاب را دانلود کنند و روی موبایلشان داشته باشند.

ما تلاش کردیم در این کتاب از الفاظ ناآشنا استفاده نکنیم و بسیار روان بنویسم به طوری که اگر کسی سیوطی را خوب خوانده باشد، متن کتاب «المدخل إلى علم الرجال و الدراية» را خوب می فهمد. لازم نیست لمعه و رسائل و مکاسب خوانده باشد.

تمام تلاش بنده در انتخاب الفاظ این بود که الفظی را در این کتاب به کار ببرم که سهل الوصول تر است و احتیاجی به کتاب لغت هم نداشته باشد.

دقت داشته باشید که یک روایت را می خواهید در مقتل بخوانید. از شما سؤال می کنند که شما دو فاطمیه دارید. آیا دو مرتبه حضرت فاطمه زهرا شهید شده است؟ اگر شما رجالی باشید سریع احادیث فاطمیه اول را بررسی می کنید، احادیث فاطمیه دوم را بررسی می کنید و سریع می گوئید احادیث فاطمیه اول به این دلایل ضعیف است و احادیث فاطمیه دوم به این دلایل صحیح است.

اگر یک روضه خوان عادی هم باشید رجال به دردتان می خورد و اگر فقیه عادی هم باشید که مسلم است به دردتان می خورد.

در بحث پاسخ به شبهات حرف اول را تسلط شما بر رجال تعیین می کند. شما ده روایت از کتب آنها می آورید، خودتان را خسته می کنید و یک ساعت حرف می زنید در حالی که طرف مقابل با یک جمله شما را خلع سلاح می کند و می گوید روایاتی که خواندید همگی ضعیف است!!

شما باید تلاش کنید و چه بسا برای یک روایت ده ساعت وقت بگذارید تا اثبات کنید که این روایت معتبر است. همچنین می‌خواهید از کتاب‌های خود آن‌ها استدلال کنید و می‌گویید این روایات شما ضعیف است و علمای شما گفتند که روایت ضعیف است. حال اگر ضعیف نیست بگویید راویانی که شما آوردید ثقه هستند یا ضعیف هستند. بنابراین روی این جهت باید تمام تلاشتان را روی رجال بگذارید. علاوه بر این در مورد دعاها هم در بسیاری از آن‌ها تغییرات و تصرفاتی ایجاد شده است.

حدیث «من بلغ» حدیث ثابتی است و به تعبیر حضرت امام خمینی یکی از قوی‌ترین احادیث متواتر ماست، اما در بسیاری از موارد خانه ما را ویران کرده است. بنده خود که سی سال با اهل سنت بحث و جدل و مناظره دارم، وقتی به حدیث «من بلغ» یا «تسامح در ادله سنن» می‌رسم دست و بالم بسته می‌شود و جوابی برای گفتن ندارم.

بنابراین در مورد دعاها به شما توصیه می‌کنم تلاش کنید دعایی که می‌خواهید انتخاب کنید خواه از «مفاتیح الجنان»، کتاب «مصباح» اثر «شیخ طوسی» یا «زاد المعاد» اثر «علامه مجلسی» باشد تلاش کنید مضمون قرآن با منطق دعا تنافی نداشته باشد.

یک سری بحث‌هایی در دعاها هست که اصلاً با منطق قرآن کریم تطبیق ندارد. یکی از آن دعاها همین دعاست:

«إِلَهِي أَخْرِجْنِي مِنْ ذُلِّ نَفْسِي وَ طَهِّرْنِي مِنْ شَكِي وَ شِرْكِي»

اصلاً این دعا کفر است، حال هرکسی گفته باشد فرقی نمی‌کند. قرآن کریم نسبت به ائمه اطهار در آیه تطهیر شهادت به طهارت آن بزرگواران از جمیع جهات می‌دهد و می‌فرماید:

«إِنَّمَا يَرِيذُ اللَّهُ لِيَذْهَبَ عَنْكُمْ الرَّجْسُ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يَطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً»

خداوند فقط می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد.

## سوره احزاب (۳۳): آیه ۳۳

ما شاید دویست مورد روایت از نبی گرامی اسلام، امیرالمؤمنین و امام صادق داریم که فرمودند: خداوند عالم ما ائمه را معصوم آفریده است و نه شکی، نه شرکی، نه سهوی، نه نسیانی و نه خطایی در وجود ما نیست!!

حال این آقا این دعا را ملاک قرار داده و ادعا می‌کند که امام حسین می‌فرماید: «إِلَهِي أَخْرِجْنِي مِنْ ذُلِّ نَفْسِي وَ

طَهَّرْنِي مِنْ شَكِي وَ شِرْكِي». مراد این است که در وجود امام حسین شک و شرک بوده است!!

وقتی که دعای عرفه را می‌خوانید و تمام می‌شود، یک صفحه و نیم ذیلی دارد که «مرحوم محدث قمی» در کتاب «مفاتیح الجنان» از نقل ذیل این عبارات تردید دارد.

عبارت «مرحوم محدث قمی» در کتاب «مفاتیح الجنان» چنین است که وقتی دعا تمام می‌شود، دعایی که با آن مضامین عالی است در انتها دعای یک صفحه‌ای دارد که چنین است:

«إِلَهِي تَرُدُّدِي فِي الْأَثَارِ يُوَجِّبُ بَعْدَ الْمَزَارِ فَاجْمَعْنِي عَلَيْكَ بِخِدْمَةِ تَوْصِلُنِي إِلَيْكَ كَيْفَ يَسْتَدِلُّ عَلَيْكَ بِمَا هُوَ فِي وُجُودِهِ مُفْتَقِرٌ إِلَيْكَ»

إقبال الأعمال، نویسنده: ابن طاووس، علی بن موسی، ج ۱، ص ۳۴۸، فصل فیما نذکره من أدعية یوم  
عرفة

«کفعمی» دعای عرفه را در کتاب «بلد الامین» تا اینجا نقل کرده است. «علامه مجلسی» در کتاب «زاد المعاد» این دعا را موافق روایت «کفعمی» ایراد نمود، اما «سید بن طاووس» در کتاب «اقبال الأعمال» بعد از «یا رَبِّ یا رَبِّ یا رَبِّ» این زیادت را اضافه کرده است.



شما تمام کتب دعاهای ما را ملاحظه کنید. «مصباح المتهدجد» اثر «شیخ طوسی»، «اقبال الأعمال» اثر «سید بن طاووس» و «زاد المعاد» چندین مورد از کتب دعای معتبر ماست. «شیخ عباس قمی» این کتب را تلخیص کرده و به «مفاتیح الجنان» تبدیل کرده است.

بنده تمام این کتب دعاهایی که از «شیخ طوسی» بوده تا «مرحوم محدث قمی» را زیر و رو کردم. این قسمت «إِلَهِي أَخْرِجْنِي مِنْ ذُلِّ نَفْسِي وَ طَهِّرْنِي مِنْ شَكِي وَ شِرْكِي» تنها در کتاب «اقبال الأعمال» اثر «سید بن طاووس» در بعضی نسخ وارد شده است.

این عبارت در نسخه‌های قدیمی این کتاب موجود نیست. حتی نسخه چاپ جامعه مدرسین هم این عبارت را نیاورده است.

جالب اینجاست که «علامه مجلسی» در کتاب «بحار الانوار» جلد ۹۵ صفحه ۲۲۷ عبارتی آورده است. دلیل اینکه من سفارش می‌کنم که خوب کار کنید تا در بحث‌های رجالی قوی باشید همین است. او در این کتاب می‌نویسد:

«أورد الكفعمي ره أيضا هذا الدعاء في البلد الأمين و ابن طاوس في مصباح الزائر كما سبق ذكرهما و لكن ليس في آخره فيهما بقدر ورق تقريباً و هو من قوله إلهي أنا الفقير في غنای إلى آخر هذا الدعاء»

این همان عبارت «إِلَهِي أَخْرِجْنِي مِنْ ذُلِّ نَفْسِي وَ طَهِّرْنِي مِنْ شَكِي وَ شِرْكِي» است که از امام حسین نقل می‌شود. بعد می‌گوید:

«و كذا لم يوجد هذه الورقة في بعض النسخ العتيقة من الإقبال أيضا»

این عبارت در نسخه‌های قدیمی کتاب «اقبال الأعمال» اثر «سید بن طاووس» هم چاپ نشده است، اما کتب جدیدی که در بیروت دار الکتب العلمیة چاپ شده است این عبارت را آورده‌اند. جدیداً که جامعه مدرسین کتاب «اقبال الأعمال» را چاپ کرده است، این عبارت را ندارد. بعد می‌گوید:

«و عبارات هذه الورقة- لا تلائم سياق أدعية السادة المعصومين أيضا»

عبارات این یک صفحه با سياق و فرهنگ دعاهاى ائمه اطهار همخوانى ندارد.

«و إنما هي على وفق مذاق الصوفية»

این عبارت موافق مذاق صوفیه است.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۹۵، ص

۲۲۷، ح ۴

به عنوان مثال در این یک صفحه وارد شده است:

«وَ اسْلُكْ بِي مَسْلِكِ أَهْلِ الْجَذْبِ»

خدایا مرا همانند اهل جذب سلوک فرما.

إقبال الأعمال، نویسنده: ابن طاووس، علی بن موسی، ج ۱، ص ۳۴۹، فصل فیما نذکره من أدعية یوم

عرفة

مراد از اهل جذب کسانی هستند که جاذبه دارند و به ملاً اعلی و وصول می‌رسند. من جستجو کردم و متوجه

شدم کلمه «الْجَذْبِ» در هیچیک از دعاهاى اهل بیت نیست. «أَهْلِ الْجَذْبِ» اصطلاحات عرفانی و صوفی‌هاست و

در کتب صوفی این واژگان فراوان است.

لذا «مرحوم مجلسی» می‌نویسد که این یک صفحه و نیم بر مذاق صوفیه است و بر مذاق اهل بیت نیست.

«و لذلك قد مال بعض الأفاضل إلى كون هذه الورقة من مزيدات بعض مشايخ الصوفية و من إلحاقاته و

إدخالته»

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۹۵، ص

۲۲۷، ح ۴

بعضی از مشایخ صوفیه این یک صفحه را در حاشیه کتاب «اقبال الأعمال» ذکر کردند. در چاپ‌های بعد ناشرین متوجه نشدند و تصور کردند این عبارت فرمایش امام حسین (علیه السلام) است و داخل آن چاپ کردند.

مشاهده کنید یک انسان نادان و جاهلی همانند «احمد الحسن» از این عبارت چنین سوء استفاده می‌کند.

حداقل شما تاریخ این دعا را بخوانید و ببینید که علمای ما در رابطه با این دعا چه نظری دارند، سپس اینطور افاضات شیطانی را مطرح کن که در وجود امام حسین شرک خفی وجود داشت و از خدا می‌خواهد آن شرک خفی و منیت را از وجودش بردارد!!

امام حسین که شرک داشته باشد ما چنین امام حسینی را قبول نداریم، پیغمبر اکرم چنین امام حسینی را قبول ندارد، خداوند چنین امام حسینی را نفرستاده است و ائمه اطهار هم چنین امام حسینی را نمی‌شناسند. امام حسینی که ما می‌شناسیم مصداق بارز قرآن:

**(إِنَّمَا يَرِيذُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً)**

است. آن بزرگواران هستند که نبی گرامی اسلام آن‌ها را برای اثبات نبوت و صداقتش در آیه مباحله با نصاری نجران می‌برد. ما امام حسینی را قبول داریم که سوره «هل أتى» در حق آن بزرگواران نازل شده است.

**(لَا تُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَ لَا شُكُورًا)**

و هیچ پاداش و تشکری از شما نمی‌خواهیم.

سوره انسان (۷۶): آیه ۹

آیا کسی که در وجودش شک داشته باشد این چنین است؟! ما امام حسینی را می‌شناسیم که شیعه و سنی می‌فرماید:

### «الحسن والحسين سيدا شباب أهل الجنة»

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري، دار النشر: دار

الكتب العلمية - بيروت - ١٤١١ هـ - ١٩٩٠ م، الطبعة: الأولى، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، ج ٣، ص

١٨٢، ح ٤٧٧٩

مگر کسی که در وجودش شرک باشد «سیدا شباب أهل الجنة» می‌شود؟! این موارد بعضی از نمونه‌هایی است که ما باید همیشه آن را در آستینمان داشته باشیم، در گوشی موبایلمان داشته باشیم، ورقه هم در جیبمان باشد تا افراد در معرض آلودگی را آگاه کنیم.

بحث‌های علمی نکنیم، بلکه بحث‌های احساسی داشته باشیم. اگر حدود ده مورد از این مباحث را داشته باشیم برای ما کفایت می‌کند. نیاز نیست کتاب‌های علمی که عزیزان و دوستان ما در قم و نجف و عربستان در این زمینه نوشتند را بخوانیم.

جناب آقای «آل محسن» در عربستان سعودی کتاب‌های متعددی در رد «احمد الحسن» نوشته است. ما باید چندین مورد از این تناقضات با تصاویر کتاب او را داشته باشیم و به افرادی که در معرض آلودگی قرار دارند نشان بدهیم.

یکی از دوستان ما یک و نیم ماه قبل در تهران با یکی از کسانی که هیئتی هست و جذب «احمد الحسن» شده بود صحبت کرد. او می‌گفت: من رفتم با این افراد بحث کردم، اما هر حرفی می‌زدم او زیر بار نمی‌رفت. در نهایت گفتم که او نسبت به امام حسین این شریکات را بیان کرده است. آیا تو هم همین عقیده را داری؟ او سرش را پایین انداخت و شروع به فحاشی به «احمد الحسن» کرد که نسبت به امام حسین اینطور جسارت می‌کند.

ما باید تلاش کنیم ان شاءالله در این سفر مبارکی که عزیزان ما به آنجا می‌روند، هم سفر زیارتی باشد و هم سفر تبلیغی و دفع شبهاتی باشد.

این را هم بدانید آن عزیزی که خدا به او توفیق بدهد در حوزه پاسخ به شبهات کار کند، امام صادق در کتاب «بحارالانوار» جلد دوم صفحه ۵ می‌فرماید:

«عُلَمَاءُ شِيعَتِنَا مُرَابُطُونَ فِي الثُّغْرِ - الَّذِي يَلِي إِبْلِيسَ وَ عَفَارِيثَهُ يَمْنَعُوهُمْ عَنِ الْخُرُوجِ عَلَى ضَعْفَاءِ شِيعَتِنَا وَ عَنْ أَنْ يَتَسَلَّطَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ وَ شِيعَتُهُ وَ النَّوَاصِبُ»

دانشمندان پیروان ما همانند مرزدارانی هستند که در برابر ابلیس و لشگرهایش صف کشیده و از یورش آن‌ها به افرادی از شیعیان ما که قدرت دفاع از خود ندارند جلوگیری می‌کنند، و نیز از تسلط ابلیس و پیروان ناصبی او، بر آن‌ها پیشگیری می‌کنند.

در این روایت از علما به «مُرَابُطُونَ» به معنای مرزبانان تعبیر کرده است؛ کسانی که شبانه روز چشمشان به دشمن است تا دشمن از غفلت استفاده نکند و افرادی را بیهوش کند و گروگان بگیرد. مرزبانان تا این اندازه هم باید مراقب باشد.

«أَلَا فَمَنْ انْتَضَبَ لِذَلِكَ مِنْ شِيعَتِنَا كَانَ أَفْضَلَ مِمَّنْ جَاهَدَ الرُّومَ وَ التُّرْكَ وَ الْخَزَرَ أَلْفَ مَرَّةٍ»

آگاه باشید ارزش آن دانشمندان شیعه‌ای که چنین خود را در معرض دفاع قرار داده‌اند هزار هزار بار بالاتر از سپاهسانی است که در برابر هجوم دشمنان اسلام از کفار روم و ترک و خزر پیکار می‌کنند.

طبق این روایت کسی که توفیق مرزبانی به او می‌دهند و شبهات دشمن را دفع می‌کند در مقایسه میان مرزبان فرهنگی و مجاهد میدان جنگ یک مرزبان فرهنگی از یک میلیون مجاهد افضل است. اگر یک طلبه که در حوزه

پاسخگویی به شبهات کار می‌کند در یک کفه ترازو باشد و یک میلیون مجاهد میدان جنگ در کفه دیگر باشد، این کفه سنگین‌تر است.

«لَأَنَّهُ يَدْفَعُ عَنِ أَذْيَانِ مُجَبِّئًا وَ ذَلِكَ يَدْفَعُ عَنِ أْبْدَانِهِمْ»

زیرا دانشمندان نگهبانان عقاید و فرهنگ اسلام و مدافع دین دوستان ما هستند در حالی که مجاهدان حافظ مرزهای زمینی هستند.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۲، ص

۵، ح ۸

مجاهد از خاک زمین شیعیان ما دفاع می‌کند، اما این مجاهد فرهنگی از دین و اعتقادات شیعیان ما دفاع می‌کند. فرق است میان کسی که از اعتقادات دفاع کند با کسی که از خاک دفاع کند. لذا امیدواریم عزیزان ما ان شاءالله در این زمینه موفق و مؤید باشند. در خدمت شما هستم برای پاسخ به سؤالات.

پرسشها و پاسخها

پرسش:

«احمد الحسن» آیا زنده هست یا نیست!؟

پاسخ:

طبق آنچه بنده به دست آوردم در قضیه «جند السماء» افسران عراقی مدعی هستند که او کشته شده و به درک واصل شده است. بعد از آن هم هیچ خبری از او نیست. طرفداران او دو ماهواره دارند، اما او در ماهواره ظاهر نمی‌شود و کلیپی از او منتشر نمی‌شود، تنها فایل‌های صوتی شبیه صدای او منتشر می‌شود. البته طرفداران او مدعی هستند که او به بحرین پناهنده شده و در آنجاست. بعضی می‌گویند به کویت رفته است.

## روش‌های تبلیغی پیروان فرقه احمدالحسن

### پرسش:

روش‌های تبلیغی این افراد به چه صورت است؟

### پاسخ:

اگر بنده بتوانم یک یا دو صفحه در مورد روش‌های تبلیغی این افراد در اختیار دوستان قرار خواهم داد.

بنده قصد داشتم چهل سؤال آماده کنم و حاج آقای اعرافی هم گفت ما حاضریم این سؤالات را با تیراژ بالا چاپ کنیم، اما چند روز اهواز بودم و آنجا هم گرفتار همین قضایا هستم. بنده دیشب همین موقع در حوزه علمیه امام خمینی بودم که مسئولین می‌گفتند طرفداران «احمد الحسن» در اینجا بیداد می‌کنند.

### (۱) خواب

بعضی از طرفداران او از طریق خواب مردم را به سمت خودشان می‌کشاند؛ حال شاید علم هیپنوتیزم قوی دارند. به عنوان مثال به شما می‌گویند که شما شب جمعه چنین خوابی می‌بینید. دقیقاً شما همان خواب را خواهید دید. این قضیه خود نشانگر این است که شیطنتی در کار است. از کجا می‌دانید؟ آیا علم غیب دارید؟ این قضیه خیلی طبیعی است. اگر شما مبادی علم هیپنوتیزم را مطالعه کنید، می‌بینید که اگر هیپنوتیزم داشته باشید می‌توانید هر اراده‌ای را به طرف مقابل القاء کنید. مثلاً می‌توانید به او القاء کنید که اینجا راه برود، برقصد، نماز بخواند یا به کنار دستی خود سیلی بزند.

به عنوان مثال هر آنچه شما اراده می‌کنید، اراده خود را با قدرت مغناطیسی که در شما ایجاد شده و روح خود را تقویت کردید به طرف مقابل القاء می‌کنید. این قضیه در هیپنوتیزم خیلی طبیعی است.

طلاب ما از این قضیه بی‌خبر هستند و تصور می‌کنند که اگر خوابی دیدند معجزه آن‌ها بوده است. کدامیک از ائمه اطهار فرموده است که اگر خواب دیدید من حق هستم، بنابراین من حق هستم؟! صد و بیست و چهار هزار پیغمبر آمدند و از دنیا رفتند. کدامشان برای حقانیتشان به خواب استدلال کردند؟! این مصیبت ماست.

افرادی به «احمد الحسن» می‌گویند: بعضی افراد خواب دیدند که مسلک تو شیطانی است. او در جواب می‌گوید: خواب این افراد شیطانی بوده است. کسانی که خواب دیدند من انسان خوبی هستم، خوابشان رحمانی بوده است!! بنده تلاش می‌کنم عبارات او را از صفحه کتابش استخراج کنم یا دوستان ما تصویر بگیرند و به شما بدهند. بنابراین روش اول آن‌ها خواب است.

## ۲) استخاره

روش دوم استخاره است. به طرف مقابل می‌گویند که به قرآن استخاره کن و بین چه نتیجه‌ای می‌گیری. وقتی استخاره می‌کنند و خوب می‌آید، ادعا می‌کنند که «احمد الحسن» حق است و اگر استخاره بد آمد ادعا می‌کنند نیت تو خراب بوده است، دوباره استخاره کن.

مرحوم آقای کافی نقل می‌کند که روزی شخصی نزد من آمد و تقاضا کرد که برای او استخاره کنم. استخاره کردم و بد آمد. او گفت: دوباره استخاره کن. دومرتبه استخاره کردم و بد آمد. چندین بار استخاره کردم و دائماً بد می‌آمد. شخص گفت: حاج آقا تو بیکار هستی و من هم بیکارم. اینقدر استخاره کن تا خوب بیاید که من این کار را انجام بدهم.

حال این افراد هم ادعا می‌کنند اینقدر استخاره کن تا خوب بیاید. کدام یک از ائمه اطهار برای اثبات حقانیتشان به استخاره متوسل شدند و به مردم سفارش کردند که استخاره کنید؟! کدام یک از صد و بیست و چهار هزار پیغمبر اکرم گفتند که استخاره کنید؟



این حرف مسخره است. من عرض کردم که ما از عوام گلایه نداریم، بلکه از خواص بی خاصیت که جذب این افراد می‌شوند گلایه داریم و درد آن ما را می‌کشد.

وقتی که شما کتب خود این افراد را بخوانید، به قدری تناقض در آن هست و کفریات دارند که شاید بیش از ۶۰ یا ۷۰ مورد از این تناقضاتی که امروز چند مورد آن را بیان کردیم ضد قرآن و ضد فرمایشات اهلبیت از آثار خودشان درآوردیم.

وقتی که حدیث وصیت را مطرح کردند، شما بگویید: در حدیث وصیت آمده است که وقتی حضرت مهدی می‌آیند و می‌خواهند از دنیا بروند وصیت می‌کنند. چطور این آقا قبل از ظهور حضرت مهدی آمده است؟

این بهترین جواب است. علاوه بر این در مورد حدیث وصیت چطور شد که علمای ما در طول هزار و چهارصد سال هیچکسی نفهمیدند!؟

من یک مرتبه یک جمله گفتم که مگر ایشان نمی‌گویند که حقانیت ما خواب است؟ به عنوان مثال فلان پیرزن و فلان بقال و فلان کارگر خواب دیده است. درخواست کنید امام زمان به خواب یکی از مراجع عظام تقلید همانند آیت الله سیستانی، آیت الله مکارم شیرازی، آیت الله شبیری زنجانی یا آیت الله صافی گلپایگانی بروند و بفرمایند که من «احمد الحسن» را فرستادم.

یقیناً اگر امام زمان به خواب مراجع بروند و بفرمایند که از «احمد الحسن» حمایت کنید. قطعاً اگر امام زمان به خواب این آقایان بیایند آن‌ها قبول می‌کنند. شما مشکلی ندارید، زیرا همه چیز آماده است.

جالب اینجاست که من این حرف را یک شب در پردیسان مطرح کردم و آن‌ها هفته بعد در سایت‌هایشان به آن پاسخ دادند. جواب آن‌ها این بود که شاید امام زمان به خواب یکی از مراجع رفته است، اما آن‌ها کتمان می‌کنند و خوابشان را نمی‌گویند.

من در جواب گفتم: اگر مراجع کتمان می‌کنند، به امام زمان بگویید به خواب یکی از یاران شما بیاید و بگوید که من فلان شب به خواب آیت الله مکارم شیرازی رفتم و به ایشان گفتم، اما ایشان کتمان کرده است.

امام زمان بلد است این حرف را بزند یا این را هم بلد نیست؟! ولی تا به حال به این درخواست ما پاسخ ندادند!! وقتی ائمه اطهار (علیهم السلام) وکیل معین می‌کردند، به سران قوم یا بزرگان شهر یا قبیله نامه می‌نوشتند و اعلام می‌فرمودند که «علی بن ابی راشد» را به عنوان وکیل خودم معین کردم و غیر از «علی بن ابی راشد» وکیلی ندارم. هرکسی با او مخالفت کند با من مخالفت کرده است و هرکسی از او اطاعت کند از من اطاعت کرده است. آن‌ها چنین توقیعی از امام زمان بیاورند، زیرا در این صورت مسئله تمام است و نیازی به این چرندیات و مخفی شدن‌ها و امثال آن نیست.

ما بارها گفتیم که این افراد در سال ۲۰۰۸ نامه‌ای نوشتند و خدمت آیت الله کورانی دادند که از علمای بزرگ برای دعوت و پیوستن و مناظره دعوت کرده بودند. اولین نام مقام معظم رهبری و دومین نام بنده در این نامه بود. من گفتم: ما آماده هستیم و بیایید تا با هم مناظره علنی و تلویزیونی داشته باشیم. اگر مناظره نتیجه نداد، با هم مباحله کنیم. ما روایات متعدد داریم که ائمه اطهار به ما دستور مباحله دادند. در کتاب «تصحیح اعتقادات الإمامیة» اثر «شیخ مفید» به صراحت وارد شده است:

« و باهلوهم فی علی بن ابی طالب»

تصحیح اعتقادات الإمامیة؛ مفید، محمد بن محمد، محقق: درگاهی، حسین، ناشر: کنگره شیخ مفید،

ایران؛ قم، سال چاپ: ۱۴۱۴ق؛ ص ۷۱

در کتاب «کافی» جلد دوم صفحه ۵۱۴ وارد شده است:

«فَادْعُهُمْ إِلَى الْمُبَاهَلَةِ»

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۲، ص

۵۱۴، ح ۱

حضرت به صراحت می‌فرمایند: کسانی که در رابطه با ولایت امیرالمؤمنین عناد دارند را به مباحله دعوت کنید.

**پرسش:**

اینها ظاهراً زمانی با آقای «فتحی» مباحله‌ای کرده بودند.

**پاسخ:**

با ایشان نبود، بلکه با «حیدر المشتت» بود. او را در بغداد ترور کردند و گفتند: به دلیل اینکه او با «احمد الحسن» مباحله کرد، کشته شد. کاملاً مشخص است که او را چه کسانی و چطور کشتند و ماجرای قتل او کاملاً روشن است.

این دو نفر در زندان با هم بودند. اصلاً اول قرار بود «احمد الحسن» فرزند امام مهدی و «حیدر المشتت» یمانی و فرستاده او باشد. زمانی که آن‌ها بیرون آمدند با همدیگر اختلاف پیدا کردند و علیه همدیگر شروع به حرف زدن کردند و همدیگر را تکفیر کردند. سپس آن‌ها با همدیگر مباحله کردند و بلافاصله پس از آن «حیدر المشتت» را در بغداد کشتند.

بنده جمعه شب در پردیسان جلسه داشتیم. یکی از طلاب می‌گفت که این افراد در سایت‌هایشان نوشتند که آقای قزوینی با این افراد مباحله کرده است و قرار گذاشته است که اگر «احمد الحسن» حق است، من دیگر در «شبکه جهانی ولایت» برنامه نداشته باشم. و الآن نزدیک به یک سال است که آقای قزوینی در «شبکه ولایت» برنامه ندارد. من در جواب گفتم: من شب جمعه در «شبکه جهانی ولایت» یک ساعت و نیم برنامه داشتم.

ان شاءالله عزیزان ما به حول قوه الهی بروند و موفق باشند و ما را هم دعا کنند. ما با بعضی از عزیزانمان در آنجا  
هماهنگ کردیم که با دوستان ما هماهنگ باشند.

ما بیست و پنج نفر از افراد توانمند و کسانی که پنجاه مناظره با طرفداران «احمد الحسن» در فضای مجازی یا  
حقیقی داشتند را به آنجا فرستادیم. این افراد مشتشان پر است.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته